

دوتا ۳۲۳	بررسی کتاب مقدس / ۶۱
	رومیان ۷: ۱-۱۳
T = معلم ۱	S = معلم ۲

(T) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید. در این مجموعه از بررسیهای کتاب مقدس، دو معلم، کار بررسی را از رومیان ۷: ۱-۱۳ انجام خواهند داد.

پولس در رومیان فصلهای ۳ و ۴ نشان می‌دهد که ما باید از اسارت شریعت آزاد گردیم تا در حضور خدا عادل خوانده شویم. در رومیان فصلهای ۶ و ۷: ۱-۶ وی نشان می‌دهد که باید از اسارت شریعت آزاد شویم تا در حضور خدا زندگی مقدسی داشته باشیم. در رومیان ۷: ۷-۲۵ پولس به ما فایده و اثر شریعت را نشان می‌دهد.

### (S) قدم اول. بخوانید

با هم رومیان ۷: ۱-۲۳ را بخوانیم. اگر دو نفر یا بیشتر هستید، هر یک به نوبت یک آیه را بخوانید تا تمام متن خوانده شود. به‌خاطر کمبود وقت، لطفاً رومیان ۷: ۱-۲۳ را خودتان بعداً بخوانید.

### (T) قدم دوم. کشف کنید

برخی حقایق مهم را از رومیان ۷: ۱-۲۳ کشف کنیم و مورد گفتگو قرار دهیم. "کدام حقیقت در این بخش برای شما مهم است؟" یا "کدام حقیقت در این بخش فکر یا دل شما را لمس می‌کند؟" فکر کنید و پاسخ خود را در دفتر یادداشتان بنویسید. پس از چند دقیقه، به نوبت، کشفیات خود را با یکدیگر در میان بگذارید.

(S) در رومیان ۷: ۱-۶ یک حقیقت مهم برای من وجود دارد. "پولس ناکافی بودن شریعت را برای عادل شمردگی و تقدیس نشان می‌دهد." وی موقعیت مسیحیان را در ارتباط با شریعت تعلیم می‌دهد. این قسمت توصیف و تاییدی است از موقعیت فرض شده در رومیان ۶: ۱۴: "ما تحت شریعت نیستیم، بلکه تحت فیضیم". پولس نتایج تغییر رابطه ما با خدا را هنگامی که "تحت فیض" باشیم نسبت به زمانی که "تحت شریعتیم"، نشان می‌دهد.

اول. "یهودیان و برخی دیگر در روم، که می‌خواستند تحت شریعت زندگی کنند و در واقع هنوز چنین می‌کردند، به اطاعت کامل و صددرصد از شریعت متعهد بودند" (غلاطیان ۳: ۱۰؛ یعقوب ۲: ۱۰). تا زمانی که تحت شریعت می‌زیستند، شریعت بدون انعطاف بر آنان حاکمیت داشت. با وجود این، قرار بود قدرت و تسلط شریعت موقتی باشد، یعنی تا زمانی که می‌زیستند و تحت شریعت زندگی می‌کردند (۷: ۱؛ غلاطیان ۳: ۲۳-۲۵).

دوم. "رابطه یک فرد با شریعت مانند رابطه زناشویی است." تا زمانی که طرفین ازدواج هر دو زنده باشند، نسبت به قانون ازدواج متعهد هستند. اما هنگامی که یکی از طرفین ازدواج بمیرد، آن دیگری از قانون ازدواج آزاد می‌شود و می‌تواند مجدداً همسر اختیار کند. به همین ترتیب، زمانی که شخص رابطه خود را با شریعت فسخ می‌کند، آزاد است تا رابطه تازه‌ای را با عیسی مسیح آغاز نماید. برای احترام به یهودیان، پولس نمی‌گوید شریعت مرده، بلکه می‌گوید شخص نسبت به قدرت و تسلط شریعت مرده است (۷: ۲-۳).

سوم. "پولس این حقیقت را به رابطه مسیحیان نسبت به شریعت تعمیم می‌دهد." با مرگ واقعی عیسی مسیح و مرگ روحانی مسیحیان با مسیح، آنها "نسبت به گناه مرده‌اند" (۲: ۶). به این ترتیب، عهدشان را با طبیعت گناه‌آلود خود کنار می‌گذارند و به فریبها و نیرنگهای جهان فاسد "نه" می‌گویند (کولسیان ۳: ۳). با مرگ واقعی عیسی مسیح و مرگ روحانی آنان با مسیح، نسبت به "شریعت نیز مردند" (۷: ۴). یعنی اینکه، آنها از "شریعت" آزاد شدند، زیرا خدا طلب می‌کند که تمامی مردم زندگی صددرصد کاملی داشته باشند و تمامی گناهان مجازات شوند. آنان از تلاش برای عادل شمرده شدن با نگاه داشتن شریعت، دست کشیده‌اند.

پولس به مسیحیان روم یادآوری می‌کند که وقتی به عیسی مسیح ایمان آوردند، یعنی زمانی که رابطه تازه‌ای را با عیسی مسیح شروع کردند، رابطه قبلی خود با شریعت را فسخ نمودند. در اثر مردن با مسیح (۶: ۳-۴)، نسبت به شریعت نیز مردند، یعنی از قدرت و سلطه شریعت آزاد هستند. و توسط قیام با مسیح (۶: ۴-۵)، زندگی کاملاً متفاوتی را تحت قدرت و تسلط عیسی مسیح آغاز کردند. مسیح حیات تازه خود را در آنها سیری می‌کند (غلاطیان ۲: ۲۰)، آنها می‌خواهند و می‌توانند زندگی تازه‌ای داشته باشند و چنین نیز خواهد شد (۶: ۴) و با مسیح و برای مسیح خواهند زیست (کولسیان ۳: ۳ و ۱: ۶). مسیحیان دیگر تحت قیومیت شریعت نیستند، بلکه اکنون به عیسی مسیح تعلق دارند (غلاطیان ۲: ۲۳-۴: ۵) و برای خدا ثمر می‌آورند (غلاطیان ۵: ۲۲-۲۳ و رومیان ۷: ۴).

چهارم. "وقتی انسانها از جمله خود پولس هنوز "در جسم" بودند، یعنی قبل از احیاء، "تحت شریعت" زندگی می‌کردند و تلاش می‌کردند با حفظ شریعت عادل شمرده شده، تقدیس شوند." اما بجای آنکه شریعت اخلاقی ابزار عادل شمردگی و تقدیس باشد، وسیله تحریک شهوات گناه‌آلود در طبیعت فاسدشان شد، که میوه مرگ را ببار آورد (غلاطیان ۶: ۱۹-۲۱ و رومیان ۷: ۵).

پنجم. "اما مسیحیان پس از احیاء، نسبت به شریعت مردند" (۷: ۴). آنان از الزام جهت نگاه داشتن شریعت به عنوان وسیله‌ای برای عادل شمرده شدن (نجات) یا تقدیس آزاد شدند. آنها "تحت فیض" هستند (۶: ۱۴)، یعنی در اثر فیض خدا و از طریق ایمان در وضعیت عادل شمردگی و وضعیت قدوسیت قرار دارند. نتیجه این امر این است که روح القدس در درون آنها حیات

جدید و مقدسی را ایجاد می‌کند و آنها به طریقی تازه زندگی و خدمت می‌کنند. روش تازه، روش مسیح است از طریق روحی که در آنهاست و نه روش "شریعت مکتوب" حاکم بر آنها (رومیان ۷: ۶؛ ارمیا ۳۱: ۳۳؛ حزقیال ۳۶: ۲۷).

(T) در رومیان ۷: ۷-۱۳ حقیقت مهمی برای من وجود دارد. "پولس با استفاده از تجربه شخصی خود نشان می‌دهد که شریعت چه می‌تواند بکند. شریعت اخلاقی، تجربه و دانش و محکومیت در اثر گناه را به ارمغان می‌آورد." شریعت اخلاقی فقط قادر است هوسهای شیطانی (خواهشهای گناه‌آلود را تحریک می‌کند، ۷: ۵) را در طبیعت گناه‌آلود انسان برانگیزاند و بنابراین وی را نسبت به میزان انحراف طبیعت گناه‌آلودش آگاه سازد. شریعت اخلاقی نمی‌تواند سبب تبرئه او در حضور خدا شود و همچنین قادر نیست باعث شود در حضور خدا زندگی مقدسی داشته باشد. در عوض، شریعت فقط می‌تواند برایش تجربه، دانش و محکومیت به علت عدم قدوسیت زندگی‌اش را به ارمغان آورد.

**اول.** "در رومیان ۷: ۷-۸، پولس بحث می‌کند که مردم نیاز دارند برای عادل شمرده شدن و قدوسیت، از وابستگی به شریعت آزاد شوند. این به این دلیل نیست که شریعت بد (گناه) است، بلکه به این دلیل است که شریعت قادر نیست باعث عادل شمرده‌گی و قدوسیت شود." شریعت تنها می‌تواند تجربه گناه و نتیجتاً آگاهی از ماهیت گناه و محکومیت عمیق به دلیل گناهکار بودن را بیار آورد.

شریعت اخلاقی، گناه نیست. هدف و یا خواست خدا را نادیده نمی‌گیرد. شریعت اخلاقی مطمئناً هدف و فایده‌ای دارد. به ما می‌آموزد گناه چیست. هر چیزی که هدف خدا را از نظر دور دارد، هر چیزی که از حدود خدا سرپیچی کند (قوانین اخلاقی)، و هر چیزی که حقیقت خدا را تحریف نماید، "گناه" است. گناه، زندگی خودکفای مستقل از خداست. بدون فرمان دهم که می‌فرماید "طمع نورزید" پولس طمع را به عنوان گناه تجربه نمی‌کرد (رومیان ۷: ۹). بدون شریعت اخلاقی یا ده فرمان، گناه مرده است. یعنی، "جدا از شریعت اخلاقی، گناه در طبیعت گناه‌آلود غیر فعال است." شریعت اخلاقی، طبیعت گناه‌آلود را در شخص تحریک و هر نوع خواهش گناه‌آلودی را در او بیدار می‌نماید (۷: ۸)

**دوم.** "در رومیان ۷: ۹-۱۱، پولس این تفکر را مفصلاً مورد بحث قرار می‌دهد. تا وقتی که مردم به شریعت اخلاقی خدا که در کتاب مقدس یا در قلب آنها نوشته شده بهای اندکی دهند، معنای گناه از دید خدا را درک نخواهند کرد." در اینصورت بدون دغدغه در این توهم خواهند زیست که انسانهایی بسیار خوب، عادل و بی‌نیاز از دیگران هستند (۳: ۲۰). بنابراین آنها ناآگاه از طبیعت گمراه خود و بدون ترس از مجازات خداوند به خاطر گناه، "زندگی" می‌کنند (۳: ۱۹). پس در واقع نمی‌دانند خداوند چه نوع زندگی را از آنان طلب می‌کند (۱۳: ۸-۱۰) و نمی‌دانند چگونه گناه را در تمامی اشکال شریترانه آن تحت کنترل در آورند (اول تیموتائوس ۱: ۹-۱۰ و رومیان ۷: ۹). با این حال، هنگامی که در گذشته شریعت اخلاقی آشکار گردید و به عهد خدا افزوده شد (غلاطیان ۳: ۱۷ و ۱۹) و مردم شروع کردند به جدی گرفتن آن، طبیعت گناه‌آلود نهفته آنها به ظالمی قدرتمند در بدنهایشان و واقعیتی وحشتناک در وجدانشان تبدیل شد. هر چه انسانها، بیشتر تلاش کردند شریعت را نگاه دارند، گمراهی اخلاقی و روحانی کامل را بیشتر تجربه کردند (۷: ۱۴-۱۵). پس آنها "می‌میرند"، یعنی حالت خیالی نیک بودن و امنیت کاذب می‌میرد و به حالت فلاکت و خطر محکومیت ابدی می‌رسند (۷: ۹). قبل از سقوط در گناه، شریعت به عنوان شرط نیکوی خدا برای عادل شمرده شدن (پیدایش ۲: ۱۵-۱۷، که لاویان ۱۸: ۵ و رومیان ۱۰: ۵ به آن رجوع می‌کند) قرار بود انسان را تبرئه کرده و به او حیات عطا نماید (۷: ۱۰). با وجود این، پس از سقوط انسان در گناه، شریعت دیگر قادر نیست کسی را عادل سازد. پس شریعت قانون یا معیار خداست در مورد اینکه قومش به عنوان مردمان خدا باید چگونه زندگی کند (خروج ۲۰: ۱-۲). علیرغم این، همیشه افرادی مانند فریسیان وجود دارند که کماکان باور دارند می‌توان با حفظ شریعت عادل شمرده شد و تقدیس گردید. پس از سقوط در گناه، روشن شد که نه تنها عادل شمرده‌گی از طریق اعمال شریعت کاملاً غیر ممکن است، بلکه داشتن زندگی مقدس و در اطاعت نیز مطابق با شریعت کاملاً امکان‌ناپذیر می‌باشد. در واقع شریعت ابزار خدا شد تا در مردم نسبت به گناهانشان، طبیعت منحرفشان و حالت مرگ روحانی متعاقب آن، محکومیت عمیقی ایجاد کند (۷: ۱۰-۱۱). شریعت وسیله خدا شد تا به مردم نشان دهد که کاملاً گم شده‌اند و به منجی غیر از خودشان و تلاشهای مذهبی‌شان نیاز دارند.

**سوم.** "در رومیان ۷: ۱۲-۱۳، پولس از بحث خود نتیجه‌گیری می‌کند. گرچه شریعت به خودی‌خود مقدس، عادل و خوب است (۷: ۱۲)، اما باعث تقدس، عادل شمرده‌گی و خوبی مردم نمی‌شود (۷: ۸). به جای آنکه وسیله‌ای برای ایجاد حیات باشد، ابزاری است که طبیعت گناه‌آلود را که منجر به مرگ می‌شود در شخص بیدار می‌کند (۷: ۱۳). شریعت سبب می‌شود انسان مرگ روحانی خود را درک کند و این باعث از بین رفتن حالت خود عادل بینی و حس امنیت کاذب می‌گردد. شریعت باعث می‌شود آنها بطور دردناکی از طبیعت غیر روحانی، یعنی گمراهی کامل روحانی و اخلاقی خود، آگاه شوند. شریعت اخلاقی، گناهکار بودن کامل طبیعت فاسد آنها را هویدا می‌نماید. پاکي روحانی و اخلاقی فرمانهای خدا باعث می‌شود گمراهی اخلاقی و روحانی طبیعت گناه‌آلود انسان نمایان‌تر شود (۵: ۲۰). هدف خدا از شریعت این است که به مردم نشان دهد واقعاً تا چه حد غیر عادل و نامقدس هستند. از آنجایی که شریعت صرفاً ابزاری است که گناه را آشکار می‌کند و طبیعت گناه‌آلود را به فعالیت و می‌دارد، پس هرگز نمی‌تواند وسیله‌ای برای تبرئه و نجات انسان باشد.

## (S) قدم سوم. سؤال

بیا بید تمام حقایق موجود در رومیان ۷: ۱-۱۳ را درک کنیم و سؤالات خود را در باره نکاتی که هنوز درک نکرده‌ایم، مطرح سازیم. "چه سؤالی در مورد هر نکته‌ای از این بخش مایلید از گروه بکنید؟" فکر کنید و سؤال خود را در دفتر یادداشتان بنویسید. سپس راجع به سؤالات گفتگو کنید و سعی کنید پاسخ آنها را بیابید. سؤال اول (۷: ۸) "تفاوت بین

نظریات «بدون شریعت گناهی وجود ندارد» (۴: ۱۵)، «بدون شریعت، گناه به حساب نمی آید» (۵: ۱۳) و «بدون شریعت گناه می میرد» (۷: ۸) چیست؟

(T) یک رومیان ۴: ۵. "ارتباط بین گناه و محکومیت هر فرد".

"در جایی که شریعت نباشد، نافرمانی از آن (گناه) وجود ندارد (۴: ۱۵)". این مورد در هیچ جا صدق نمی کند. بنابراین، هر جا که شریعت باشد، نافرمانی از شریعت وجود دارد. هر موجود انسانی دارای شریعتی است که یا در دل وی نوشته شده (۲: ۵) یا در کتاب مقدس (۲: ۱۷-۲۴). از آنرو که هیچکس بدون شریعت نیست، گناهان همه افراد به حساب آمده و هر که مطابق با شریعت خود داوری می شود. "جایی که شریعت باشد، خشم خدا را سبب می شود" (۴: ۱۵). شریعت اطاعت مطلق را طلب می کند. چون هیچکس شریعت را نگاه نداشته یا قادر به نگاه داشتن آن نیست، پس همه به عنوان گناهکار محکوم هستند. اگر کسی بود که می توانست تمامی شریعت را بی نقص نگاه دارد، عادل شمرده می شد، یعنی اینکه به عنوان شخص عادل داوری می شد و به حیات جاوید دست می یافت. این مسئله فقط قبل از سقوط انسان در گناه ممکن بود (پیدایش ۲: ۱۵-۱۷؛ لاویان ۱۸: ۵؛ رومیان ۱۰: ۵). اما چون همه دارای شریعت هستند، دهانها همه بسته است و تمامی جهان باید در مقابل خدا حساب پس دهد (۳: ۱۹). شریعت به عنوان شرط مطلق خدا برای عادل شمردگی و معیار مطلق خدا برای محکومیت، فقط خشم خدا را برای فرد به ارمغان می آورد. "در اینجا، تاکید بر شریعتی است که خدا به هر فرد عطا فرموده است (۲: ۱۵-۱۷-۲۴). شریعت شرط مطلق خداست برای عادل شمردگی (نجات). هر که شریعت را نقض کند گرفتار خشم خدا خواهد شد. تاکید بر مسئولیت فردی است."

دو. رومیان ۵: ۱۳. "ارتباط بین شریعت و محکومیت تمامی نژاد بشر." وقتی شریعتی نباشد گناه به حساب نمی آید. این از زمان آدم تا موسی صدق می کرد. انسانهایی که قبل از موسی زندگی کردند شریعت مکتوب موسی را در اختیار نداشتند و در نتیجه به خاطر نافرمانی از آن، محکوم نمی شدند. علیرغم این، این افراد مردند، زیرا مزد گناه مرگ است (۶: ۲۳). اگر آنها به دلیل زیر پا گذاشتن شریعت موسی، به مرگ محکوم و مجازات نشدند، پس به خاطر نافرمانی چه کسی از شریعت موسی، به مرگ محکوم و مجازات شدند؟ تنها نتیجه ممکن این است که آنها به دلیل نافرمانی آدم، از تنها قانونی که خداوند به او عطا فرمود به مرگ محکوم و مجازات شدند (پیدایش ۲: ۱۵-۱۷). خداوند آدم را "نماینده ارشد کل نسل بشر" محسوب می کند. وقتی آدم مرتکب گناه شد و با مرگ مجازات شد، تمام نژاد بشر در اتحاد با آدم گناهکار محسوب شده، همراه آدم به مرگ محکوم و مجازات شدند (۵: ابتدای ۱۷ و ابتدای ۱۸ و ابتدای ۱۹؛ ۱ قرنیتیان ۱۵: ۲۲). با وجود آنکه مطمئناً این افراد با شکستن شریعتی که در دلشان نوشته شده شخصاً مرتکب گناه شدند، اما آنها با زیر پا گذاردن فرمانی که خداوند فقط به آدم داد گناه نکردند. در اینجا، "بر تنها شریعتی که خداوند به آدم عطا کرد تاکید می شود" (پیدایش ۲: ۱۵-۱۷). این شریعت شرط مطلق خدا برای عادل ماندن است. آدم به تنهایی این قانون را شکست، اما نتیجه این شد که تمامی نسل او دچار مرگ شدند. تاکید بر مسئولیت آدم به عنوان نماینده قرار دارد."

سه. "رومیان ۷: ۸. ارتباط بین شریعت با فعال شدن گناه در هر فرد." "جدای از شریعت، گناه مرده است." طریق دیگر برای بیان این مطلب این است، "قدرت گناه در شریعت است" (اول قرنیتیان ۱۵: ۵۶).

پولس در اینجا از شریعت به عنوان شرط مطلق خدا برای عادل شمردگی صحبت نمی کند، بلکه از شریعت به عنوان "شرط مطلق تقدیس شدن" سخن می گوید. او از شریعت به عنوان قانون اخلاقی خدا و بخصوص ده فرمان صحبت می کند که آشکار نمود از نظر خدا چه چیزی درست و چه چیزی غلط است و نشان داد که قوم خدا به عنوان ایمانداران باید چگونه زندگی کنند. پولس می گوید "جدای از شریعت اخلاقی، گناه در درون طبیعت گناه آلود غیر فعال است. وقتی به شریعت اخلاقی توجه جدی نشود، گناه ساکن در طبیعت گناه آلود انسانها غیر فعال می ماند. علیرغم این، وقتی که به شریعت اخلاقی بطور جدی توجه شود، گناه ساکن در طبیعت گناه آلود بسیار فعال می گردد. هر چه انسانها بیشتر تلاش کنند شریعت اخلاقی را نگاه دارند، شریعت اخلاقی خواهشهای گناه آلود طبیعت فاسدشان را بیشتر تحریک کرده (۷: ۵)، در آنها تمایلات بد را بیدار می نماید (۷: ۸) و باعث می شود میزان گمراهی واقعی خود را درک کنند (۷: ۲۳-۲۴). شریعت اخلاقی به جای آنکه ابزاری باشد به جهت حیات، وسیله ای می شود برای مرگ. شریعت اخلاقی، خود عادل بینی و حس امنیت کاذب و حالت خیالی خوب بودن را در مردم نابود می کند (۷: ۹). سبب می شود مردم متوجه شوند که از لحاظ روحانی مرده اند. "در این اینجا، تاکید بر شریعت اخلاقی است که خداوند به هر فرد عطا فرموده است (۲: ۱۵-۱۷-۲۴). شریعت اخلاقی، شرط مطلق خدا برای قدوسیت (تقدیس شدن) است. هر که شریعت اخلاقی را بشکند، به این درک خواهد رسید که کاملاً گمراه است. تاکید بر تجربه فرد در مورد گمراهی است."

سؤال دوم. (۷: ۱۳-۷). "در این آیات کدام مرحله از تجربه شخصی پولس به تصویر کشیده شده است؟ آیا این تجربه مربوط به کسی است که حیات دوباره یافته، یا از آن کسی است فاقد حیات تازه است؟"

(S) به احتمال زیاد این آیات مربوط به تجربه پولس درست قبل از ایمان آوردنش، و در حین آن و یا کمی بعد از آن می باشد. "وقتی که پولس هنوز فریسی بدون حیات تازه ای بود، فردی بود از خود راضی و خود را کسی می دانست که از طریق نگاه داشتن شریعت کاملاً عادل است (فیلیپیان ۳: ۶). او برای مدت زمانی طولانی، خود را با شریعت موسی مشغول کرده بود، لیکن شریعت اخلاقی خدا در زندگی اش عمل نمی کرد. او "بدور از شریعت اخلاقی" با خود عادل بینی مذهبی و غرور روحانی یک فریسی زندگی می کرد (۷: ۹).

**یک.** "پولس می‌گوید که جدای از شریعت اخلاقی، گناه در طبیعت گناه‌آلود غیر فعال است (۷: ۸). او به ما نمی‌گوید در زندگی خود چه وقت جدی گرفتن شریعت اخلاقی خدا را آغاز کرد، و در طول حیات خود چه موقع شروع کرد به درک اینکه گناه و طمع‌کاری واقعاً چیستند (۷: ۷)، و کی شریعت اخلاقی سبب شد گناه ساکن در او فعال شود و انواع خواهشهای آزمندانه را در او ایجاد کند (۷: ۸). این همه باید پیش از ایمان آوردنش، زمانی که هنوز حیات دوباره نیافته بود آغاز شده باشد. تجربه "جان گرفتن گناه و مردن او" (۷: ۹) به احتمال خیلی زیاد باید با ایمان آوردن پرشکوهش در راه دمشق، یا تماسش با حنانيا در دمشق، یا وقایعی که در طول سه سال اقامتش در عربستان رخ داد، همراه بوده باشد (اعمال ۹، ۲۲، ۲۶؛ غلاطیان ۱: ۱۳-۱۸). در این وقت بود که کسی که قبلاً کلیسا و مسیحیان را مورد آزار قرار می‌داد، فرصت آن را یافت تا بر روی نوع انسانی که قبل از ایمان آوردنش بود تعمق کند و در مورد شهادت استیپان و سایر شهدای مسیحی که او به قتلشان کمک کرده بود بیندیشد و به تعلیم حنانيا و دیگر مسیحیان در دوران اولیه زندگی مسیحی خود گوش فرا دهد. در این هنگام بود که مجال پیدا کرد تا به کلماتی که مسیح در راه دمشق به خود او فرموده بود عمیقاً فکر کند و بخشهایی از کتاب مقدس را که راه نجات را خلاصه می‌کنند مطالعه نماید (پیدایش ۱۵: ۶؛ مزمور ۳۲: ۱-۱۱؛ اشعیا ۵۲: ۱۳-۵۳: ۱۲؛ حقوق ۲: ۴). در این موقع بود که پولس از بی‌تفاوتی روحانی بیدار و بطور دردناکی از میزان گناهکار بودن خود آگاه شد و غرور گناه‌آلود و تمایل خودستایانه‌اش "مرد"، یعنی به خط پایان رسید (۷: ۹). در آن زمان بود که متوجه شد فرامین اخلاقی که قرار بود قوم خدا را در مورد طریق زیستن راهنمایی کنند، بواقع برای انسانهای مذهبی که می‌خواستند از راه نگاه داشتن شریعت عادل شمرده شوند، مرگ را به ارمغان می‌آورد. از طریق تلاش برای حفظ شریعت، متوجه شد که نمی‌تواند شریعت را نگاه دارد و در طبیعت بدون حیات تازه خود کاملاً گمراه بود، یعنی از لحاظ روحانی مرده بود (رومیان ۳: ۱۰-۲۰؛ افسسیان ۲: ۱-۴).

**دو.** "او را شریعت اخلاقی فریب داد، زیرا شریعت اخلاقی مقدس، عادل و خوب است (۷: ۱۲). این طبیعت گناه‌آلود ساکن در خودش بود که او را فریب داد تا باور کند که می‌تواند در اثر نگاه داشتن شریعت عادل شمرده شود." طبیعت گناه‌آلود درونش از معرفت قوانین اخلاقی خدا بهره برد تا بواقع کارهایی را انجام دهد که شریعت اخلاقی منع کرده بود. معرفت شریعت اخلاقی باعث شد درک کند تا چه حد گناهکار و گمراه است و چقدر از هدف خدا برای زندگی‌اش دور شده و از لحاظ روحانی به چه میزان مرده است (۷: ۱۰-۱۱، ۱۳).

#### (T) تکلیف برای هفته آینده

- اول.** در یک مشارکت خانگی که در آن بررسی کتاب مقدس انجام می‌شود شرکت کنید. از روش "پنج قدم" بررسی کتاب مقدس استفاده کرده و خود را برای بررسی رومیان فصل ۷ آیات ۱۴ تا ۲۵، آماده کنید.
- دوم.** کتابهای دستور عمل "بروید و ملکوت خدا را موعظه کنید" را ملاحظه کرده و به آدرس اینترنتی [www.dota.net](http://www.dota.net) مراجعه کنید. این آدرس را به حروف تکرار میکنم....
- سوم.** هر شنبه تا چهارشنبه به برنامه "دوره شاگردسازی از رادیو" گوش دهید.